

Citadelle



نیما بهرامی



نشر آوای بوف

Citadelle

نویسنده : نیما بهرامی



نشر آوای بوف

© AVAYE BUF - 2023



نشر آوای بوف

AVAYeBUF.com

avaye.buf@gmail.com

Citadelle

By: Nima Bahrami

Publication Technician:
Ghasem Gharehdaghi

Citadelle

نویسنده: نیما بهرامی

امور فنی و انتشار: قاسم قره داغی

انتشارات: آوای بوف

Publish: Avaye Buf

ISBN: 978-87-94295-63-5

©2023 Avaye Buf

avaye.buf@gmail.com - www.avayebuf.com

سرشناسه : Citadelle

عنوان و نام پدیدآور : Citadelle [کتاب] / نویسنده: نیما بهرامی / امور فنی و انتشار: قاسم قره‌داغی؛ /

مشخصات نشر : دانمارک: نشر آواک بوف ، 2023.

مشخصات ظاهری : ۳۹ ص.: ۲۱×۵/۱۴ سم.

شابک : نشر اینترنتی: 978-87-94295-63-5

موضوع : متن فارسی

رده بندی کنگره : 87-94295-63-8

شماره کتابشناسی جهانی:

شابک: ۹۷۸۸۷۹۴۲۹۵۶۳۵

ISBN: 978-87-94295-63-5

کلیه‌ی حقوق محفوظ است. بازنشر به هر شکل، با ذکر منبع بلامانع است.

جهت هماهنگی برای استفاده به هر شکل و نحو (تکثیر، انتشار و ترجمه و هرگونه استفاده‌ی دیگر) لطفاً به ایمیل زیر پیام ارسال کنید:

AVAYE.BUF@gmail.com

لینک دسترسی آنلاین به کتاب: www.AVAYEBUF.COM

به استاد فلسفه

حکیم عمر خیام نیشابوری

به استاد خرد و پروردگار جام جم

حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی

و

آنتوان دو سنت اگزوپری

طرح روی جلد:

پیرمردی با کلاه ایرانی در حال مطالعه رباعیات حکیم خیام زیر نور شمع ، اثر آدالاید هنسکام

نام این نوشتار ، به یاد ادیب فرانسوی ، *citadelle* انتخاب گردیده است .

مقدمه

گاهی با خود می اندیشم که جهان هستی چیست ؟ چگونه میتوان به همه ابعاد و زوایای پنهان آن پی برد ؟ آیا اصلاً میتوان به شناختی از آن رسید ؟ در صورت مثبت بودن پاسخ ، این شناخت تا چه اندازه است و به چه میزان صحیح² و قرین به حقیقت.



آنچه در این چند دهه از زندگی خود بدان دست یافته ام این است که به راستی در هیچ برهه ای از زندگی ، نمیتوانم ادعا کنم که به حقیقت دست یافته ام یا لاف ادعای اینکه تمامی حقیقت نزد ذهن و فکر بنده میباشد ، سخنی است گزاف .

اما هنگامی که تمامی مطالعات و نیروی فکری تان معطوف به فلسفه و تاریخ است ، ذهنیتان ناخودآگاه دارای سمت و سوئی فلسفی خواهد شد که اینجانب نیز در تمام اوقاتی که در حال مطالعه فلسفه و تاریخ بوده ام ، هر آن چه را که به ذهنم میرسید یادداشت نموده تا آن را با دیگران در میان گذارم ، بلکه به نقد کشند و عیوبش آشکارتر گردد .

به هیچ عنوان این حقیر قصد ندارد که خود را صاحب نظر در فلسفه جلوه دهد . هر انسانی دارای ذهن و فکریست و با الطبع استفاده از این فکر نیز طبیعی است که حاصل و محصولی داشته باشد . آنچه حائز اهمیت است بحث و گفت و گو بر سر نظریاتمان است و نه جدل که اگر بشریت بدین راه افتد و دست از مناقشات بپهوده و تعصبات زیان بخش بردارد ، راهی بس طولانی را در جهت رشد اندیشه و تمدن پیموده است .

ممکن است که در طول این نوشتار دوستان عزیز از خواندن برخی مطالب دلگیر و خشمگین گردند . به نوبه خود از این عزیزان پوزش می طلبم و به یاد حافظ شیرازی میگویم :

حافظ از خصم خطا گفت تلیریم بر او / و بر به حق گفت جدل با سخن حق نلیریم

اگر این عزیزان بدون تعصباتی دینی و مذهبی و بگونه ای صرفاً فلسفی نظریاتم را به نقد کشند ، این چالش را بر روی دیده و صد البته با منت خریدارم . اما اگر نقدها تعصبی ، غیر علمی و تاریک اندیشانه باشند ، متأسفم که مرا یارای اینگونه جدلها نیست . به قول احمد کسروی ما را سوالات و مسائلی هست ، یا بدانها پاسخ گوئید ، یا نقد کنید ، یا حقیقت را بپذیرید و جدل نکنید .

باید بدانیم که بیان حقیقت و در پی آن جستن ، وظیفه خطیر انسانهاست . به قول ارسطو که در حق استاد خویش میگفت : افلاطون را دوست دارم اما فلسفه (حقیقت) را بیشتر . چرا که به بهانه دوستی ، ناراحت نکردن دیگران و احترام به عقاید عموم نمیتوان و نباید چشم بر روی حقیقت گوئی و حقیقت جوئی بست .

این حقیر ادعای این را ندارد که حقیقت را میگوید . اما برآستی که در جستجوی حقیقت هستم .

از مایه های نگون بختی ما ایرانیان شاید در همین است که ملاحظاتی میکنیم که فلان کس بدش نیاید و بهمان کس با ما دشمن نگردد . شاید یکی از دلایل بوجود آمدن صنعت ایهام در ادبیات و اشعار زبان فارسی نیز همین ترس و وحشت از رک گوئی ناشی از حاکم بودن جو خفقان بر ایران باشد . اما باید دانست که بیان علنی ، آشکار و بدون ترس مطالبی را که به ذهن و به تلاش خویش جسته و یافته ایم و محک آنها در نقد عقل و خرد دیگر

اندیشمندان ، در رشد فکری و فرهنگی جامعه سهمی بسزا خواهد داشت . به گزاف نیست اگر بگویم تفاوت جوامع مدرن و جوامع بدوی ، در آزادی بیان و تقابل فیما بین اندیشه های افراد ، خلاصه میگردد . آنچه حاصل این آزادی ابراز عقیده است ، مادر تمامی تفاوت های موجود مابین این جوامع مدرن و بدوی میباشد . گریزی از تضاد و تناقض مابین افراد بشر نیست . این رویارویی یا در زمینه فکر و اندیشه یارای ظهور خواهد یافت ، یا در میدان جنگ و خونریزی . صدالبته بهتر که جامعه ای به جدال افکار ، نظریات و بحث های علمی مشغول گردد تا جدال های فیزیکی و بدوی.

براستی که بلوغ جامعه در بحث و گفتگوست .

نیک میدانم که در آینده ، بسیاری از این تفکراتی را که در زمان حال بدان میاندیشم و معتقدم نخواهم داشت . چرا که ذهن و فکر آدمی ثابت و پایدار نیست و صد البته که نباید باشد . حائز اهمیت اینست که بر اندوخته هایمان و نتایج منطقی حاصل از آن داده ها افزوده گردد . صرف این انباشت اطلاعات (همچون حافظه رایانه) (منجر به اتفاق خارق العاده ای نخواهد شد . آن چیز که مهمتر است و باعث فایده ، اندیشیدن و تجزیه و تحلیل این داده هاست . براستی میتوان یک میلیارد حقیقت را در ذهن انباشت ، اما هنوز بیسواد بود .

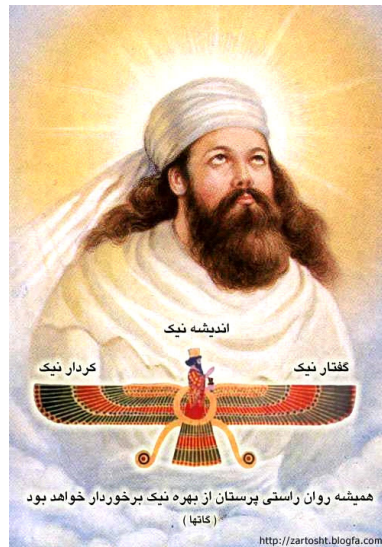
فلسفه در این راه همراه خوبیست . حق تقلب را از نو آموزش سلب میکند . اجازه ورود جواب های از پیش تعیین شده توسط دیگران و مذاهب را نمیدهد . تقلب براستی که در فلسفه ممنوع است . حق تائید و یا تکذیب را نیز ندارید ، مگر آنکه علتش را هم بگوئید . فلسفه تنها میدان نیست که در آن میتوانید با نظریات استادان مخالفت نمائید . مرغ ذهنان را فلسفه از حصار پندارها و جمود مغزی رها خواهد کرد . اما باید بدانید که اندیشیدن و خرد ورزی ، دارای نتایجی از پیش تعیین شده نیست و معلوم نخواهد بود که این آزاد اندیشی به کجا ره خواهد سپرد .

براستی که آزاد اندیشیدن لذت دارد و فزونتر از آن لذت ، جرات می خواهد .

آنچه در پی این نوشتار می آید حاصل ذهن ناتوان بشریست اسیر در چهار بعد هستی که تنها یاری ده و دستگیرش در این ره ، ذهن دیگر همنوعانش میباشد . به امید روزی که بتوانیم رو

در رو و بدون ترس از تکفیر و آزار های کوتاه اندیشان و وکیل مدافعان حضرت حق ، از بحث های فلسفی لذت ببریم و یکدیگر را با کاربرد عقل محض و بدون هیچ گونه پیش داوری و غرض ورزی ، به چالش فکری و فلسفی بکشانیم .

نیما بهرامی آبان ماه ۱۳۹۴



زرتشت ، فیلسوف اخلاق پارسی

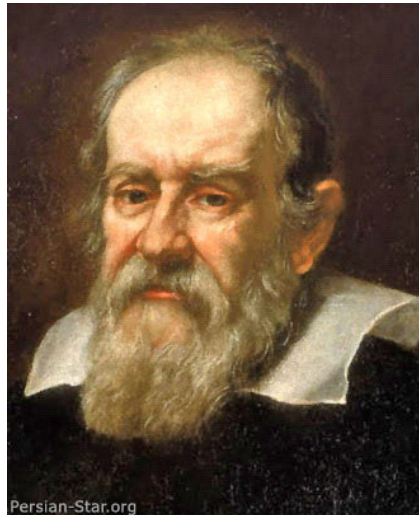
- وقتی تاریخ میخوانیم ، در کمال تعجب در می یابیم که بیشتر از آنکه بشر در جهت کشف حقیقت کوشیده باشد ، در جهت پنهان کردن آن تلاش نموده است . اکثر انسانها تنها زمانی جانب حقیقت را میگیرند که به سودشان باشد و نام این را سود جوئی میتوان نهاد و نه حقیقت جوئی!



چه گوارا

- اگر دولتها و حکومتها در جهان سوم ، سلولهای بدن انسان را در اقتصاد و نحوه دخل و خرج بودجه ، سر لوحه خود قرار میدادند ، اوضاع مان بهتر بود . شوربختانه این الگو برداری بجای نظام اقتصادی در نظام سیاسی رخ داده است ، چرا که در بدن ما نظم ، بگونه ای دیکتاتوری تامین شده و با هر گونه دگر اندیشی و دگر باشی ، همچون عامل بیگانه برخورد میشود . در اینجاست که دگر اندیشی همچون عامل عفونی و سرطانی ، مطرود است.

- انسانها در طول حیات خود ، آنقدر به پندارها و گمان درونی خود بها داده اند و در چنبره آن اسیرند که احساسات درونی خویش را حقیقتی محض و تغییر ناپذیر می پندارند . گذر از این پندار است که از آن بعنوان تولدی دوباره میتوان یاد کرد . تلاش در این راه یعنی دیدن جهان با عقل است که قدم نهادن در راه حقیقت جوئی نامیده میشود و تمامی اندیشمندان به نوعی تجربه آنرا دارند . اکثر این افراد در زمان و مکان خود به نوعی آماج تهمت تیره بینان و تیره اندیشان قرار گرفته اند.



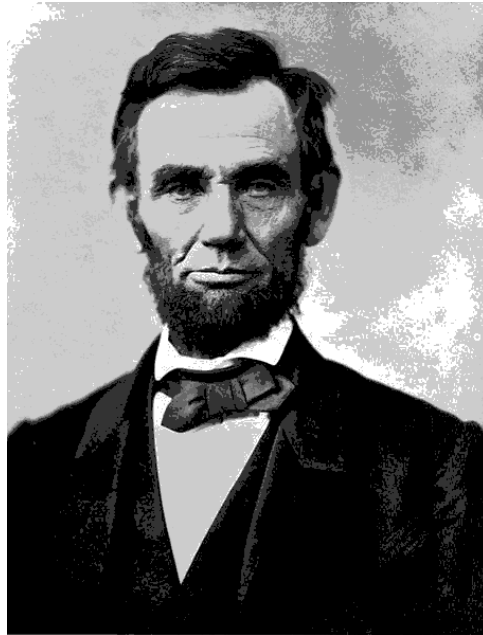
گالیله ایتالیائی توسط کلیسای کاتولیک مجبور شد که حرفش را مبنی برگرد بودن زمین و چرخیدنش بدور خورشید پس بگیرد

- خدائی که ادیان به ما معرفی می کنند نتیجه ترکیب افکار و تخیلات آدمی با ترس و جهل بشری است . هر چه عمیق تر می اندیشیم بیشتر در می یابیم که حقیقت چیز دیگری است . این خدای معرفی شده به ما بیشتر به درد کسب رزق و روزی رایگان میخورد تا به درد تامل . خدای دوستدار انجماد تفکر و نه خدای شکاکان و خردمندان . در اینجاست که تقلید برتر از شک و پرسشگری میگردد.



ژاندارک

- تاریخ ادیان یعنی تاریخ سودجویانی فراتر طلب ، در هر برهه ای از زمان و مکان خاص . یعنی تاریخ تلاش عده ای قلیل در جهت رعب اکثریت . یعنی تاریخ قربانی نمودن خرد ، فلسفه ، اندیشه و آزادی . یعنی تاریخ جنایاتی که بنام خدا صورت گرفته و دارای پاداش اخروی و سود دنیوی اند . تاریخ دین یعنی تاریخ جانپان مومن . تاریخ ادیان ، تاریخ نبرد دین از یک طرف و علم ، خرد ، شادی ، آرامش و آزادی انسان از طرف دیگر است.
- تفاوتی بین ادیان ، روحانیان و مبلغان آنها با یکدیگر نیست . هر چه هست اختلاف بر سر نحوه تحقیر و تحمیق انسانیت است.
- جامعه متدین همیشه عقب مانده و زبون است . چرا که اکثریت مردم مومن چون گوسفندانی مطیع ، با مغزی منجمد در آن بسر میبرند . در این شرایط هیچ اثری از تولیدات علمی و فرهنگی نیست . اقلیتی ریاکار بر مسند قدرت تکیه زده و به جای مردم فکر کرده و برای مردم تصمیم میگیرند . تنها جایگزینی که میتواند این مردم فلک زده را از این جهنم برهاند ، تعویض دین با قانون است . اساس قانون ، خرد است که هر چه گوهر عقل در جوهر قوانین بیشتر بکار رود ، قوانین وضع شده مفیدتر خواهند بود . تنها جوامعی به این مسیر سعادت خواهند افتاد که تعقل و تفکر را بر این متدین بودن برای اداره جامعه ترجیح دهند.



آبراهام لینکلن

- بلوغ جامعه یعنی انجام محاسبات ، قضاوت و تصمیم گیری بر اساس معیار و میزان عقلانیت ، و نه مشروعیت .

- هیچ سعادتی را برای بشر نمیتوانم متصور شوم که در آن اهل آزادی رعایت نشده باشد . موجودی به نام انسان ، بدون آزادی برایم بی معناست . ادیان این اهل را نادیده انگاشته و به جایش ترس را جایگزین نموده اند . ترسی پر دامنه و شعله ور که شراره هایش حتی تا زندگی پس از مرگ ! را هم درگیر میکند . ترس مقوله ایست که با آزادی در یکجا جمع نمیشود . اینجاست که ناباوری و دشمنی من با دین آغاز میشود . در تضاد و تقابل بین ترس و آزادی ، من جانب آزادی ام.



دیوجانس، فیلسوف کلبی یونان باستان

- هر چه دینی در ترساندن موفق تر عمل نماید، فراگیر تر میشود. اولاً هر چه اعمال خشونت در مذهب و دین بیشتر باشد، همه گیری اش بیشتر است. در تاریخ ادیانی که دست از سخت گیری برداشته اند و زندگی را بر مومنان کمتر حرام کرده اند، خیلی زود محو گشته اند.



کمدی الهی اثر دانته، دوزخ

- گوئی انسان عاشق خالق عبوث و بد اخلاق است.



دادگاه عالی ایالات متحده

- حکومت هائی که بر پایه دموکراسی بنا شده اند بر مبنای قوانینی که مردم بنا بر نیازشان که مقتضای زمان و مکان است ، نظم را بر قرار کرده و جامعه را سامان میدهند . به علت این همگونی و همسازی نیازهای اجتماعی شهروندان با قوانین وضع شده است که در این جوامع قانون گریزی و قانون ستیزی کمتر است . چرا که قانون برای همه و بدون استثنا اجرا شده و روح قانون فاقد طرفداری و لحاظ نمودن منافع ایدئولوژی خاصی یا گروه ویژه ای است.



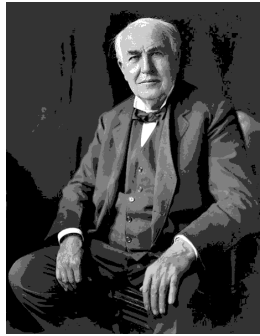
هیتلر ، پاریس

- حکومت های ایدئولوژیک و مذهبی بر مبنای تولید بیم و وحشت حکومت کرده و جامعه را سامان میدهند و هر چه در این راه موفق تر عمل نمایند ، دوام بیشتری خواهند داشت . شعارها و وعده های بی سر و ته ای که در این بین به خورد عوام داده میشود در حکم مسکن بوده و رکن دیگر ماندگاری این حکومتهاست . شعار گرائی ، جای خرد جمعی را گرفته و تنها زمانی حکومت به چالش بر میخورد که یا در زمینه خلق شعار به مشکل بخورد و یا حقیقت واقعی شعار ها و وعده ها برای عوام روشن شود.



کتابخانه ای ویران شده در بمباران لندن ، جنگ دوم جهانی

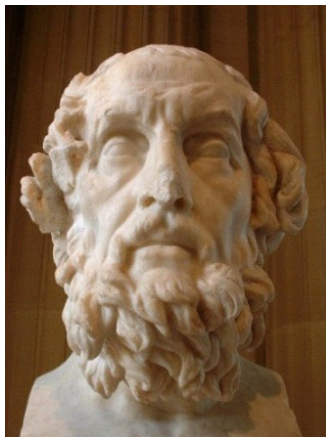
- درخت جوامع بشری تشنه نقد و گفتگوست . به تیشه و آتش خشونت در اینجا نیازی نیست.
- سکولاریته از بزرگترین و مفید ترین یافته های اخیر بشریست . اما همچون دیگر اختراعات ، تا فراگیر شدنش در تمامی جهان ، اندکی زمان خواهد برد.
- حقیقت را نمیتوان خلق کرد . حقیقت همچون انرژی نه خلق میشود و نه میتوان آنرا نابود کرده و از بین برد . تنها وظیفه ما پی بردن به آنست ، هر چند نسبی.



توماس ادیسون

- اکثر جنگها به بهانه های مذهبی آغاز میشوند . اما ریشه حقیقی شان را در اقتصاد باید جست .

- بالاترین و محفوظ ترین اندام بدن انسان ، مغز اوست . این برای من حاوی پیام ویژه و قابل تاملی از جانب طبیعت است.



- ما در ایران قرن بیست و یکمی نسبت به یونان در زمان افلاطون ، عقب تریم . چرا که " هر کس فلسفه بداند ، اجازه ماندن در اینجا را ندارد! "



مرگ سقراط و جام شوکران

- یونان برای این قافله سالاری تمدن بشری را از دست داد که متفکری چون سقراط را به اتهام گمراه کردن افکار عمومی اعدام کرد . شروع پایان تلخ ملتها در تاریخ اینگونه است .
- آزادی حقیقی ، آزادی تن نیست . آزادی عزم و اراده است . آزادی اندیشه .
- همیشه شناخت و آگاهی ما ، نسبی است . آنچه به یقین میتوان اظهار داشت اینست که نادانی جزئی از یافته هائیمست که حقیقت میپنداریم . تنها یقین واقعی به گمان من ، نادانی و آگاهی نسبی آدمی است .
- آگاهی و دانش قله ندارد . آنچه از آن بعنوان خرد ورزی یاد می کنیم تنها قدم نهادن در جاده بی انتهای کشف حقایق است . پی بردن به حقیقت ، مفهومیست نامفهوم که بر خلاف دانشمندان ، روحانیون ادعای آنرا دارند . چرا که ادعای معرفت و شناخت در علم ، نسبی و تغییر پذیر و در ادیان ، مطلق و تغیر ناپذیر است .

- حقیقت ، سیال است .
- عوام ، گمانشان بر این است که هر آنچه که میپندارند ، حقیقت محض است . اما کاش حداقل گاهی ، بر تحت عقاید ، ایمان و پنداره‌ایمان شک کنیم . من در زندگی فکری خود ، بیش از هر چیز به شک هایم مدیونم .
- ایمان و اعتقاد راسخ ، همان ویروس فلج کننده عقل است با موربیلیتی (morbidity) بالا.
- ساده دل مومن میشود ، دانا کافر و کلاش روحانی .



واتیکان ، رم

• **Morbidity** : پارامتریست که میزان واگیردار بودن بیماریها را به وسیله آن بیان مینمایند . میزان شیوع پذیری عفونتها . از ا^۱ طلاحات علم اپیدمیولوژی میباشد.

- نقد خود و نوسازی عقاید و افکار در علم ، تیشه به ریشه ایدئولوژی و مذهب زدن است . از همین رو ابطال نظریه کوپرنیک توسط کپلر در مورد شکل مدار گردش سیارات ، دشمنی کپلر با کپرنیک نیست . بلکه مخالفتی است موثر تر از قبل با کلیسا .
- همنشین دموکراسی ، آزادی و همنشین دیکتاتوری ، ترس است .
- در سیل تعصبات دینی و مذهبی ، عقل و خرد غرق خواهد شد .
- آنچه را که در زمان حال میدانیم ، نسبت به زمان قبلمان علم و نسبت به زمان آینده جهل نام دارد . زمان حلال حقیقت هاست .
- دانشمندان دیروز ، گمراهان فردايند . تنها دلایلی که باعث میشود برای ایشان احترام قائل شویم دو چیز است : احترام به حس حقیقت جوئی و تلاش ایشان در جهت کشف بیشتر حقائق و ترسی پنهان و نهانی از ملامت آیندگان نسبت به خودمان .

- ایمان آوردن به هر یک از ادیان یعنی انکار خویش ، انکار خرد ، انکار انسانیت . انکار داشتن حق زیستی خردمندان به توسط انسان .

- لیاقت و شان انسان بالاتر از مقام مومن شدن و مبلغ ادیان بودن است .



یوهان ولفگانگ گوته

- بزرگترین دو راهی ذهنی بشر اینست که بین اندیشیدن و ایمان آوردن ، کدام را انتخاب کند .

- خرد ، واکسیناسیون ادیان است . ایمان ، واکسیناسیون خرد !

- بلوغ جامعه ظهور دموکراسی ست . ظهور عدم خشونت است . عدم اعدام است . ظهور علاقه به فلسفه است .

- اعدام مجرمان در جامعه یعنی تا انسانیت بسیار فاصله داریم . فاصله تا خود . فاصله تا اهل !



حضرت موسی

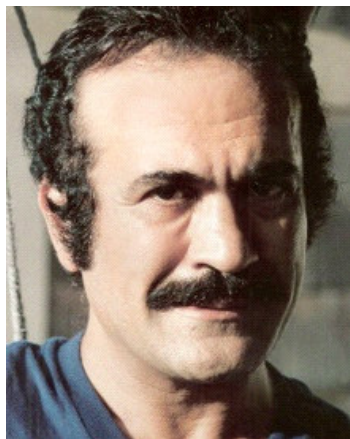
- مرگبار ترین دشمن عقل و خرد ، دین و مرگبارترین دشمن علم ، تعصبات دینی است .

- علم پندار کنون است در ظرف زمان .

- از نحوه وضع قوانین مربوط به امور زنان در جامعه ای میتوان به میزان متری بودن آن جامعه پی برد .

- برای تربیت شدن ، تربیت کردن و جهت نیل به سعادت جوامع بشری یک راه بیشتر وجود ندارد ، رواج فلسفه !

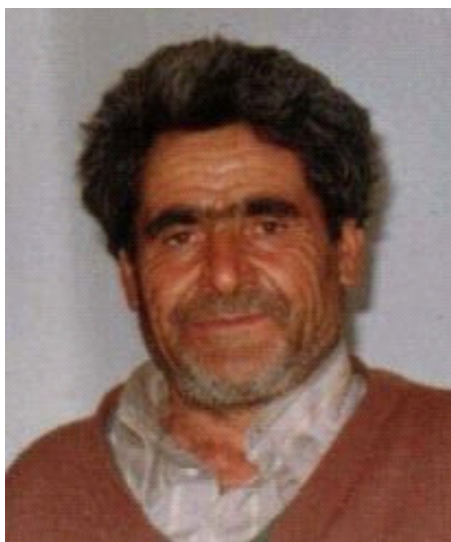
- ترجیح بر این است که بر وجود خدا منکر باشم و اخلاقیات را رعایت کنم تا اینکه مومنی بی اخلاق باشم . در طول تاریخ هیچ چیز به اندازه دین بر اخلاقیات بشر سایه نیفکنده است .



فریدون فرخزاد

- دو راه بیشتر نداریم . یا آنکه وجود ادیان را بپذیریم و یا اینکه تعارفات را کنار نهاده و منطقی به پوچ بودن این ادیان اعتراف کنیم . ای کسان که ایمان آورده اید ، کمی هم شک و سپس فکر کنید!

- اسلام یعنی تسلیم . یعنی منکر خرد گردیدن . انکار نمودن خویش . از همین رو من مسلمان نیستم .



یغمای نیشابوری ، شاعر و روشنفکر ایرانی

- ادامه حیات ادیان به سکون افکار و رشد علم به پویائی اندیشه ها وابسته است . اینجاست که اولین سنگ بنای مخالفت علم و دین با یکدیگر نهاده میشود .

- چگونه است که عذاب و زجر دادن کافران در جهنم توسط خداوند(که در قرآن از این مجازاتهای چندی و تهوع آور به صراحت یاد شده است)عادی و طبیعی است ، اما وقتی مومنان و مسلمانان معتقد به اسلام و قرآن ، همین شکنجه ها و اعمال وعده داده شده در جهنم را در این دنیا مرتکب میشوند بر آنان ایراد میگیریم و قصد محاکمه شان را داریم ؟ نکند ارتکاب اعمال خشن از جانب ذات

الهی ، بخاطر فاعل افعال ، وجهه ای مقدس و مشروع می گیرد و از قبحش کاسته میشود ؟ وقتی خداوند اینقدر وحشی و سفاک است ، دیگر از بنده او چه میتوان انتظار داشت ؟ اگر بگوئید قضاوت بر عهده خداوند است و نه بر عهده مومنان میگویم پس تکلیف امر به معروف و نهی از منکر چه میشود ؟ ضمن آنکه خود خداوند در قرآن به صراحت اجرای حکم قاتلوهوم را برای مومنان و در حق دگر اندیشان و دگرباشان ^[۱۰] ادر کرده است . اگر بگوئید قرآن از زبان محمد و اطرافیانش است و از جانب خدا نیست که دیگر مسئله حل است . به اعتقاد من بررسی ، تحلیل و درمان ریشه ای خشونت و تروریسم را باید در بررسی و نقد آیات قرآنی جست . محمد ، بر حق ترین شاگرد ماکیاولیسم و قرآن « شهریار » اوست . در قرآن ، جهنم محل شکنجه است . شکنجه عملی غیر انسانیست و استثناء ندارد . فرقی هم نمیکند که در حق چه کسی و یا حیوانی آنرا مرتکب شویم . فرقی نمیکند که شکنجه گر کیست و علت شکنجه چیست ؟

- فعل گفتاری بشر ^[۱۱] طلبی و فعل رفتاری اش جنگ طلبی است . متأسفانه تنها اعمال خشونت فردیست که تقبی ^[۱۲] میشود . همین که خشونت از جانب افراد کثیری اعمال گردد و مرتکبینش دست جمعی دست به جنگ و جنایت بزنند ، گوئی حسی درونی وجدان ایشان را زایل میکند .



ماهاتما گاندی

- از سرزمینی خشک و بی آب ، با مردمانی بیسواد و نیمه وحشی ، با مردانی متعصب و راهزن که فقط چند ماه از سال را به قتل و غارت نمی گذراندند ، چه دین ، فرهنگ ، تمدن و هنری میتوان انتظار داشت ؟ آیا احکام قضائی این دین (اعدام ، سنگسار ، از کوه پرت کردن و قطع دست و ... گویای همه چیز نیست ؟ این توحشی که نامش را اسلام نام نهاده اند که در آن موجود لطیف ، زیبا و مهربانی چون زن ، بی ارزش ترین کالاهاست را آیا میتوان راه هدایت انسان ها دانست ؟ اگر مردان خشن و متعصب مسلمان شوند جای گله مندی نیست . آنچه از آن متعجب و خشمگین میشوم مومن بودن زنان به اسلام است . انگار فرانسویان و یهودیان به حزب نازی درآیند . واقعا که این دین برای ایمان آورندگان ، مایه شرمساری ست .



یهودیان در حال اعزام به آشویتز

- در قرن بیست و یکم اسلام دو راه بیشتر ندارد . یا بزودی کاملاً تحریف میشود (امروزی شده ، دست از خشونت کشیده و از دخالت در مواردی که بدان مربوط نیست دست بر میدارد (و یا از بین خواهد رفت . تعصب مسلمانان نسبت به اسلام و مذاهب آن بیشترین خطر را برای این دین و طرفدارانش فراهم کرده است .
- به گمانم برای اسلام رنسانسی در راه است که ابعاد این دگردیسی به میزان تعقل پیروانش وابسته است .

- من با یکتاپرستی فردوسی مشکلی ندارم . چرا که یزدانی که او بدان معتقد است ، خدای خرد و راست گوئی است.
- تاریخ ملت ها ، صرفا داستان سرگذشت ملتها نیست . آینده ایشان نیز هست . هر حادثه ای که در گذشته رخ داده است ، تبعاتی در آینده در پی خواهد داشت . خشت آینده ملتها بر پایه گذشته شان بنا نهاده خواهد شد .
- حقیقت تاریخ و احوال وقایع روی داده را باید در میان نا گفته ها و نا نوشته های کتب تاریخی جست و جو کرد . در تاریخ گنج های زیادی از حقایق ناگفته وجود دارد که کشف آنها میتواند بیش از گنج های طلا و نقره ، برای ملتها سودمند و مثمر ثمر افتد.
- جنون جمعیت که ما را به جنگ میکشاند . دین و ناسیونالیسم بهانه های این خشونت و وحشیگری را فراهم کرده و ندای وجدانها را خاموش میکنند . تعصب به هر شکل هیزمیست برای این آتش .
- براسستی که آزاد اندیشیدن لذت دارد و جرات میخواهد .
- آزادی هیچ استتتا و قیدی ندارد . محدودیت تنها زمانی شروع میشود که پای آسیب به دیگران در میان است .
- ناسیونالیست بودن یعنی نداشتن شعور درک دیگر فرهنگ ها و توانائی برقراری ارتباط با آنها ، یعنی خودخواهی و خودپرستی بی منطق جمعی . برابری تمامی انسانها از هر نژاد و رنگ با یکدیگر تنها یک شعار نیست ، بلکه براسستی یک واقعیت و حقیقت است .

- بلوغ جامعه در بحث و گفتگوست.

- حقیقت سودمند است و خرد منفعت .

- شناخت و معرفت مقوله ای کمی است با کیفیتی متغیر.

- بزرگترین درس تاریخ به انسان ، نفرت از جنگ است . ﷻ بزرگترین دستاورد تاریخ بشر است .



کودکی یتیم نشسته بر خرابه های خانه خود ، لندن ، جنگ دوم جهانی

- جنگ افروزان تاریخ را نمیتوانم شجاع بدانم . چرا که نتایج خشونت این ابلهان را مردمی بی گناه و نه خود ایشان تحمل نموده اند . هیچ کس به اندازه مردان با تجربه ، جنگ آزموده و شجاع ، جنگ گریز نیست.



مارتین لوتر کینگ ، راهپیمایی واشنگتن 1963

- انسان ، آنچه را که می پسندد ، حقیقت می پندارد .

- انسان مالک خویشتن است . از همین اعتقاد است که من مالکیت مرد ها بر زنان را به هیچ بهانه و به هیچ نحوی در هیچ زمینه ای نمیتوانم بپذیرم . دلایل تسلط و برتری مرد بر زن در اسلام یا سنت به همان اندازه برهان برده داری احمقانه است . تنها انسان است که مالکیت خویش را دارد و این حق تا پایان عمر با ماست.



نلسون ماندلا

- کاربرد تاریخ آموختن پند است ، نه کینه . بازگو نمودن جنگ بین ملتها در تاریخ به جهت جلوگیری از تکرار آن وقایع تلخ است ، نه ادامه آن . از همین روی نلسون ماندلا در بریتانیا گفت : می بخشم ، اما فراموش نمی کنم.

- دیکتاتور حاکم متعصبان است .

- نمیدانم چرا در طول زندگی ، دائما با یک دوراهی مواجه میشوم که از آن دو راه ، مجبورم تنها یکی را انتخاب کنم . یا آنکه جانب رفاه زندگی ام را بگیرم یا آنکه جانب حقیقت را . این دیگر چگونه زیستن است ؟

- پدر ایران نوین کسی خواهد بود که دموکراسی را برای این مرز و بوم به ارمغان بیاورد . صرفاً تولد و نمو دموکراسی است که میتواند رشدی همه جانبه ، ممتد ، همگن ، ماندگار و موثر نصیب جامعه ایرانی کرده و آنرا به معنای واقعی واژه ، نوین نماید .
- انسان مهمترین و با ارزشترین ایدئولوژی هاست .
- اگر دینداری فاقد هر گونه منفعت مالی میبود ، هیچ یک از ادیان نه مبلغی می داشتند و نه روحانی ای به موعظه میپرداخت .
- اگر عکس العمل مردم در مقابل مسائلی که به عر^۲ه عمومی و مصالح^۳ ملی مربوط است این باشد (: به من چه) ، طبیعی ست که تائید حاکم را به دنبال خواهد داشت و او هم با کمال میل میگوید (: آری ، به تو چه » . (تولد خودکامگی مبارک ! »
- هر چه زمان پیش میرود ، حقوق افراد و همچنین مسئولیتهای ایشان در اجتماع بیشتر خواهد شد . بسط آزادی و احساس نیاز بشر به ایفای تعهدات لازمه آن ، آینده دموکراسی و فلسفه سیاسی اش را تعیین خواهد کرد .

- انسان عصر حاضر احساس نیاز بیشتری به عقلانیت خواهد کرد . ما بیش از گذشته به فلسفه و اندیشیدن محتاج خواهیم بود .
- علت تمامی جنگها ، جنایات ، اختلافات قومی و ملی ، کشتارها ، نسل کشی ها ، تجزیه طلبی ها ، اختلافات مذهبی و تمامی فجایعی که در سطح جهانی رخ میدهد ، از عدم توجه ، بسط ، آموزش و گسترش فلسفه نشأت میگیرد . فلسفه تنها راه حل خردمندانه پیش روست .
- آزادی ، فقط حق انسانها نیست . بلکه وظیفه ایشان نیز می باشد .
- در آینده ای نه چندان دور ، بسیاری از تصمیمات و رای گیری هائی که در مجالس قانون گذاری گرفته میشود ، به کمک تکنولوژی و بصورت مستقیم ، از شهروندان اخذ خواهد شد . پیشرفت تکنولوژی فصل نویینی از کتاب دموکراسی را پیش چشمان مان خواهد گشود .
- اساس دموکراسی بر اعمال خواسته ملت شکل میگیرد . هر چه شیوه اعمال نظر شهروندان پویا تر و سیال تر ، منفعت بیشتری نصیب شهروندان خواهد شد . جمود ناقض دموکراسی است . تکنولوژی یاری گر موثر بسط مفاد اعلامیه حقوق بشر می باشد.
- پرستش و مقدس سازی از تاریخ ، گمراهی به بار می آورد . تاریخ را باید جهت پند آموزی اش کاوید . نباید از تاریخ ایدئولوژی بسازیم . تاریخ (پند از گذشته) ، زیر بنای ساخت آینده باید باشد ، نه گنبد

آن ! بدا به حال ملتی که دیروز اش با شکوهتر از فردایش باشد . نیت من نفی گذشته نیست . تاکید و تلاش در جهت شکوه آینده است .

- دموکراسی یعنی تغییری مداوم ، آرام و ٱٱٱٱ آمیز ، غیر قابل پیش بینی و بدون هیچگونه محدودیت در جهت اراده عموم .تنها محدودیت آسیب اقلیت است.

- عامل تعیین کننده سطٱٱ کشورها در جهان ، کیفیت و نحوه آموزش دادن به کودکان است .

- شبی با یکی از دوستانم در شبکه تلگرام به گفتگو نشستیم . بعد از مباحثه نسبتا کوتاهی که راجع به تاریخ داشتیم ، جهت تشکر از من و از سر لطف پیامی به این مضمون برایم فرستاد :

ممنون از بابت مطالبی که به من آموختید . هر کس به من مطلبی یاد بدهد مرا بنده خود ساخته است .

به ایشان پاسخی بدین شرح فرستادم :

هدف ما از آموختن اینست که از بردگی جسمی و اسارت اندیشه نجات یابیم . هدف آموزش ، می بایست آزادی انسان ها باشد . هیچ چیز بالاتر از انسانیت نیست و انسانیت بدون آزادی بی معناست.

حال اگر آموختن علم ، دین و یا هنر منجر به اسارت مان گردد ، همان بهتر که بی سواد بمانیم !

- وای بر ما اگر منافع مان با پوشاندن حقائق ، تامین گردد.

- سیبی که بر سر نیوتن افتاد ، بذر درختش را ارسطو کاشته بود .
- اگر ارسطو در زمان حال و در خاورمیانه میزیست ، بی گمان به اتهام ارتداد و کفر گوئی اعدام میشد .
ارسطو سمبل نحوه اندیشیدن و راز بهروزی غرب است .
- علم بزرگترین بدخواه دیکتاتورهاست . در سرزمین های سراسر دنیا ، یا دیکتاتورها فرمانروایند ، یا حکومت در دستان علم میباشد .
- میگویند ساکت شو . خطرناک است . میدانم راست میگویند و زهر این ترس تا عمق وجودم را میلرزاند .
اما ریشه آگاهی بسیار عمیق تر و قطورتر است . ترس در اقیانوس آگاهی غرق خواهد شد . ترس تنها میتواند بر آگاهی های کاذب فائق آید .
- محمد) ص (جنگیز حجاز و قرآن یاسای قوم عرب است .
- تاوان مطالعه نکردن شهروندان را ، جامعه ، نسل آینده و در کل تاریخ آن کشور پس خواهد داد .

- مکاتب اخلاقی در آینده ، جای ادیان را خواهند گرفت . فلسفه اخلاق جایگزین خوبی برای دین خواهد بود . این روزگار را که در آینده رخ خواهد داد ، دوران نو فیلسوفی مینامم ، دوران وداع با ادیان تک خدایی . بی گمان اثرات این عصر بر زندگی بشر کمتر از دوران رنسانس نیست . انسان دوران نو فیلسوفی ، از زمان حالی که ما اکنون در آن بسر میبریم ، با عنوان عصر ادیان یاد خواهد کرد . روشنفکران آنتیست قرون بیست و بیست و یکم ، گالیه های دوران نو فیلسوفی هستند.
- راز خوشبختی آزادیت ، راز آزادی ، آگاهیست و راز آگاهی ، شجاعت غلبه بر پندارهایی است که از جانب دیگران ، بصورت معلوماتی بدیهی آموخته ایم . شجاعت را من ، توان شک ورزی به اعتقاداتمان میدانم . شک و شکاکیت ، بنیان خوشبختی ست .
- بدبخت آنکس که نصیحتگر ندارد ، بدبخت تر آنکس که به نصیحتگرش بی توجه است .
- ازدواج رسمی ست متعلق به قرن نوزدهم . بشر آینده قطعاً بدان بی توجه خواهد بود .
- آموزش کودکان در امروز ، ساختن تاریخ آینده میباشد .
- به گمان حقیر جبر و اختیار ، اعداد در هم تنیده ای با مرز مشخص و تحت فرمول احتمالات هستند . ما انسانها ، حاصل این معادله پیچیده ایم .

- اولین وظیفه یک انسان مومن اجرای مناسک مذهبی بر طبق نظر علمای دین و اولین وظیفه یک انسان حقیقت پژوه شک کردن است . کارکرد عقل ، تفکر و شک است ، نه تقلید !
- نبض یک ملت ، زبان و ادبیات اوست .
- گاهی آنچه را که در آرزوی آنیم با آنچه که در واقعیت میتواند باشد فرسنگها فاصله دارد . تمیز این دو از یکدیگر ، اولین مرحله کمال در هر انسانی ست .
- جامعه ای غیر نژادی ، غیر جنسی ، غیر ایدئولوژیک مذهبی و البته دموکراتیک . اینست تعریف انسان مدرن از مدینه فاضله .
- اولین پیامد دخالت ندادن شهروندان در وضع قوانین ، قانون گریزی و قانون شکنی ست .
- در مباحث فکری و فلسفی ، یک مغز جدا ندارد . به دیگر روی ، یک مغز اامت است .
- سرعت تاریخ ثابت نمانده و تغییر کرده . هر چه به پیش می رویم سریع تر خواهد شد .



نشر آوای بوف